

جوان مسلمان ایرانی در عرصه ی الگودهی (2)

<?xml encoding="UTF-8">

ضرورت تغذیه ی سالم در کسب علم و عمل

همان گونه که تغذیه ی سالم و مقوی در ساختار بدن اثر معجزه آسایی دارد، تغذیه ی فکری و روحی نیز دست کمی از آن ندارد و بلکه بالاتر از آن نیز می باشد. قرآن می فرماید: «فلینظر الانسان الى طعامه»؛ (1) «انسان باید به غذای خویش بنگرد».

نزدیک ترین اشیای خارجی به انسان غذای اوست که با یک دگرگونی جزو بافت وجود او می شود و اگر به او نرسد به زودی راه فنا را پیش می گیرد و به همین دلیل قرآن از میان تمام موجودات روی زمین به مواد غذایی، آن هم موادی که از طریق گیاهان و درختان... عاید انسان می شوند تکیه کرده است. روشن است که منظور از «نگاه کردن» تماشای ظاهری نیست، بلکه نگاه به معنی دقت و اندیشه در ساختمان این مواد غذایی و اجزای حیات بخش آن و تاثیرات شگرفی که در وجود انسان دارد و سپس اندیشه در خالق آن هاست».

در بعضی روایات که از معصومین نقل شده نیز آمده است که منظور از «طعام» در این جا (علم و دانش) است که غذای روح انسان است، باید بنگرد که آن را از چه کسی گرفته؟ از جمله از امام باقر (ع) نقل شده است که در تفسیر این آیه فرمود: «علمه الذی یاخذه عمن یاخذه» (2) امام (ع) علم را به جای غذا در بیان خود جایگزین فرموده اند. در جایی انسان باید به غذای جسمانی دقت شود، که در غذای روحانی خود نیز دقت (وسواس) به خرج دهد (اگر سر چشمه ی تغذیه پاک و استاندارد باشد) افکار و راهنمایی های صحیح و مفید نیز ثمره ی آن خواهد بود. اگر نگاهی عمیق به زندگی، رفتار و سیره ی رسول خدا (ص) و فرزندان بزرگوارش بیاندازیم، آثار تغذیه ی سالم را در آن بزرگواران به روشنی و آشکارا خواهیم دید.

غذایی که روح انسان را به اسارت بگیرد و ارزش انسانی را از او بگیرد، خود زهری کشنده است. انسان فطرتاً آزاد خلق شده و حریت طلب است، اما اگر روح و جسم با هم آزاد نباشند، از دست جسم (آزاد) و تنها کاری ساخته نیست.

به دنبال روح سالم نشاط فکری و کاری به وجود می آید و هرگاه تفکر سالم شد، با نشاط شد، انوار ترقی و تمدن وجود انسان، زندگی، جامعه و... را نورافشانی می کند و در سایه ی این نورافشانی آن چه که به زیان جوان کمال طلب است از آن حذر می نماید به عنوان مثال زرق و برق های اطرافش چشم بصیرت او را کور نمی کند. غذای مسموم و به ظاهر آراسته و فریبنده ی نشریات و جراید او را نمی فریبد.

در یکی از پرتکل های حکمای یهود چنین آمده است: روزنامه نگاری یکی از منابع سرشار فرهنگی است ولی چون دولت ها نتوانسته اند از آن به طور شایسته استفاده کنند، سرانجام به دست ما افتاد و ما به وسیله ی آن افکار خود را در اذهان مردم توانستیم بگنجانیم.» (3) در جایی دیگر آمده: ما باید عقیده ی (خداپرستی) را از اذهان مردم بیرون کرده و آن ها را به سوی ادیت سوق دهیم. برای آن که ملت های غیر یهودی متوجه سیاست پشت پرده ی ما نشوند باید آن ها را به کارهای صنعتی و تجارتی و... سرگرم کنیم تا به دشمن مشترک خود پی نبرند و نیز می گویند: «سر منشا هر ارباب و نگرانی ما هستیم.» (4)

اگر تغذیه ی روح و فکر مسموم باشد خطرات جبران ناپذیری را در پی خواهد داشت. در طول تاریخ همواره

کسانی به ملت و میهن خود خیانت کرده اند که از تغذیه ی ناسالم برخوردار بوده و چشم بصیرتشان به روی حقایق بسته شده و ملت خود را قربانی هوس های زود گذر خود کرده اند و تمام افتخارات و فرهنگ غنی کشور خود را در زیر خاک های جهالت و فرو مایگی پنهان کرده اند.

بنابر این آن چه که انسان را قوی، آزاد، مقتدر، مخترع، ... می گرداند به برکت منبع تغذیه ی سالم و استاندارد می باشد که در عصر حاضر این منبع تغذیه جز فرهنگ اسلامی چیز دیگری نمی باشد. سفارش بزرگان همواره در جهت منافع انسان ها بوده و شایسته است جوانان عزیز توصیه ی بزرگان دینی و ملی را سر لوحه ی برنامه های خود قرار دهند. در این رابطه امام راحل (قدس سره) می فرمودند: «جوانان ذخایر فوق الارضی ما هستند و توصیه می کردند: «راه اصلاح یک (ملت) مملکت، فرهنگ آن مملکت است. اصلاح باید از فرهنگ شروع شود...» بنابراین یک ضرورت احساس می شود که جوانان وطن خود را در برابر تهاجم فرهنگی، با فرهنگ غنی اسلامی و اکسینه نمایند. چرا که در عصر حاضر نه «ایسم ها و نیسم ها» نتوانستند راه نجات به سوی بشر باز کنند و نه آخرین راه کار (پست مدرنیسم) توانسته است کاری بکند. امروز تمام آگاهان جهان چشم امید به سوی اسلام دوخته اند نیروی مذهب نیرویی است که هیچ جایگزین ندارد به ویژه مکتب اسلام.

(هیتلر) معتقد است: اصول مذهب و معتقدات ملی اگر سست باشند بدون آن که عقیده ای معادل آن در جایش قرار دهند، با از دست رفتن عقاید مذهبی، تزلزل خاطر جای آرامش و ایمان را گرفته و پایه های زندگی اجتماعی را متزلزل می سازد. عقاید مذهبی دارای امتیازاتی است که آدمی را از بسیاری از آلودگی ها جدا نگاه می دارد. ایمان یک آلت نیرومندی است که گره ها را می شکافد و راه شناخت مفاهیم فلسفی را باز می کند» (5) «فاعتبروا یا اولی الابصار.»

بهترین و اولین و آخرین راهکار را اسلام برای انسان ها به ارمغان آورده است. هرگاه مسلمان ها به دستورات نجات بخش اسلام عامل باشند روی سعادت را خواهند دید. امروز می بینیم جهان غرب یا اروپا با آن همه پیشرفت علمی و تکنولوژی در مورد امنیت روانی و آرامش نسبی جامعه ی خود درمانده هستند، هر چند که ادعای مدافع حقوق بشر بودن هم دارند و به ظاهر کارهایی را به نفع بشر انجام می دهند، اما این بشر را خدا خلق کرده او بهتر می داند حقوق بشر چه چیز است و چگونه باید برای بشر قانون زندگی تنظیم کند نه غرب. در یکی از نشریات آمده بود، وزیر وقت سوئد گفته بود: ما بیست سال پیش طبق نظریه ی (فروید) یک اشتباهی را انجام دادیم حالا باید چهل سال کار کنیم تا بتوانیم آثار آن اشتباه را جبران کنیم.

امروز آن چه که غرب و شرق را آزار می دهد به ویژه غربیان را، بحران معنویت است که از درون تهی شده اند و آن چه که به عنوان ثبات نسبی در کشورهای اسلامی به چشم می خورد در سایه ی معنویت است ولو کم رنگ. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: «نفس خویشتن را با خواهش های گوناگون آزاد مگذار زیرا همان تمایلات آزاد و ناروا باعث سقوط و هلاکش خواهد شد.» (6)

انرژی حاصل از معنویت نیرویی است که هیچ گاه رو به تحلیل نمی رود و کاستی ندارد، مگر آن که مستمر نباشد. در جهان امروز با توجه به پیشرفت عظیم علمی و صنعتی و...، آن چه که انسان ها را به عزت و بزرگ منشی دعوت می کند و مایه ی آرامش خاطر آن هاست، مذهب است که عامل حرکت به سوی مبدا و خالق هستی است.

در خود امریکا تعداد کثیری بودایی و هندو به تجدید حیات معنوی پرداختند و... که همه ی این ها برای غرب خطرآفرین و نگران کننده است و یا سیاهان امریکا که مسلمان هستند، اقدامات مذهبی آنان برای غرب مایه ی

دردسر است. نیروی معنوی با هر عنوان که باشد، عامل حرکت در جهت منافع ملت هاست و مایه ی بیداری و نجات آن هاست و حتی به عنوان هویت ملت ها شناخته شده است. (ساموئل هانینگتون) نظریه پرداز معروف امریکایی معتقد است: «که در بسیاری از نقاط جهان (مذهب) آن هم به صورت جنبش های بنیادگرا لقب گرفته و در جهت پر کردن خلا هویت حرکت کرده است.» (7)

همین معنویت بود که جوانان برومند ایرانی را به جبهه های حق علیه باطل کشاند و مایه ی شگفتی جهانیان شد. (عدنان خیرالله) از فرماندهان بزرگ عراقی گفته بود: «ما اگر چنین ارتشی داشتیم دنیا را فتح می کردیم». بعد از پایان جنگ عده ای در امریکا جلسه گرفتند و بحث سر این بود که مساله ی بین ما و ایرانیان، مساله ی توازن قوا نیست، آن چه بین ما مطرح است مساله ی معاد است که برای مردم ایران این مساله حل شده ولی برای سربازان ما حل نشده و لذا از مرگ می ترسند و استقامت جدی نمی کنند و پس از آن به این فکر افتادند که چاره ای بیاندیشند که این عامل حرکت از جوانان ایرانی گرفته بشود... و بعد از آن می بینم هجمه ی دشمن در قالب تهاجم فرهنگی شدت یافته است (من آن چه شرط بلاغ است با تو می گویم).

محور دوم - آسیب شناسی در ابعاد گوناگون

در مسیر حرکت از اقیانوس هستی علاوه بر داشتن معلومات و ابزار و اسباب مورد نیاز در مسیر مورد نظر، شناسایی مسیر و مشکلات و موانع موجود و یا احتمالی نیز یکی از ارکان مهم این سفر است. آسیب شناسی در هر مقطع و هر زمینه کمک های مؤثری در جهت پیشبرد اهداف به انسان می کند، به ویژه هنگام عبور از مسیری که ناشناخته و یا صعب العبور باشد.

آسیب شناسی درصد شکست یا موفقیت را رقم می زند. بنابراین در عصر حاضر برای انجام هر پروژه یا مدیریت و مسؤولیت یا پست های کلیدی، ابتدا به شناسایی و کارشناسی در آن زمینه می پردازند تا در محاسبات و برنامه ریزی ها و حتی در تصمیم گیری ها امداد گر آن ها باشد، تا بدین وسیله از ضرر و زیان احتمالی جلوگیری کرده باشند. بنابراین بر جوانان عظیم الشان مسلمان ایران لازم است که در جهت رشد و تعالی و نیل به اهداف بزرگ خود در حوزه ی مسؤولیت علاوه بر علم و آگاهی کسب مهارت های مورد نیاز به سلاح آسیب شناسی نیز مسلح باشند و بدین طریق راه رسیدن به امنیت و آرامش روانی جامعه را هموار نمایند.

اول باید تعریفی از (آسیب) را بدانیم تا بتوانیم محدوده ی آن را معین و مشخص نماییم.

آن چه که از آسیب در لغت نامه تعریف شده بدین ترتیب است (آزار، گزند، درد، رنج، صدمه...) . بر اساس این تعاریف هر چیزی که مانع حرکت و موفقیت انسان باشد، باید در جهت رفع و دفع آن کوشید. چه بسا خواسته های غیر معقول و هوس های زودگذر نیز آسیب به شمار می آید. بر انسان های فرهیخته لازم است که با درایت و تدبیر در امور بهترین و مطمئن ترین آن ها را انتخاب نمایند.

مولای متقیان می فرماید: «چه بسا لذت کوتاه و شهوت زود گذر غصه های درازی به دنبال می آورد و اندوه فراوان در بردارد» (8) و نیز فرمودند: «کسی که عارف به مقتضیات زمان است و از دگرگونی های پی گیرش آگاهی دارد، شایسته است هرگز خویشتن را از تحولات و تغییرات اجتناب نپذیرش در امان نداند.» (9)

با توجه به فرمایش گوهر بار امام (قدس سره) باید کوشید تا خطرات و آسیب ها به حداقل برسد و تلفات کمتر باشد.

امروز آن چه که به نام (تهاجم فرهنگی) در تمام کشورها به ویژه در کشورهای اسلامی قربانی می گیرد و مایه ی

دردسر و ننگ جامعه ی اسلامی شده، ناشی از عدم آسیب شناسی در آن جوامع و ملت ها بوده است و مایه ی شگفتی و تاسف است که با وجود حد و مرز جغرافیایی برای کشورها، جهت حفظ و حرمت و حاکمیت کشورها، متاسفانه در مقابل تهاجم فرهنگی هیچ حد و حدود مرزی قایل نشده اند و عواملی چون ماهواره ها و امثال ذلک بدون حساب و کتاب و هیچ محدودیتی در اختیار مردم به ویژه جوانان گذاشته شده است. خسارت های قابل ملاحظه ای به کشورها تحمیل شده است. آیا خود مردم مقصر هستند یا صادر کنندگان آن برنامه ها؟
امیر مؤمنان می فرمایند: «هر کس به شرایط و لوازم حریت عمل کند شایسته آن است و هر کس در انجام وظایف و مقررات آزاد کوتاهی نماید، به ذلت و بردگی بر می گردد.» (10)

هر جوان مسلمان باید خود به فکر سلامتی خود باشد که این سلامتی فردی (مراعات بهداشت فردی) قطعاً به جامعه نیز انتقال پیدا خواهد کرد. هرگاه جوانی که می بایست مخترع و مکتشف می شد، در اثر عدم توجه و آگاهی به جایگاه والای خود، خود نیز با دشمن قسم خورده برای سرنگونی خویشتن همکاری نماید، در این صورت امیدها به یاس و آمال و آرمان ها بر باد رفته محسوب می گردد.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به دست توانمند مردم بزرگ ایران که جوانان در آن سهم بسزایی داشتند و دارند برای حفظ این حرکت عظیم و این سنگر فتح شده می بایست هیچ وقت از دشمنان دین و آیین غافل نبود. دشمنی که دین و مکتب آن را بر زمین کوبیده، هیچ وقت با دین سرسازش نخواهد داشت.

امام محمد تقی (علیه السلام) می فرماید: «کسی که به سخن گوینده ای گوش فرا دهد با این عمل وی را بندگی کرده است. اگر گوینده ی سخن از خدا می گوید او خدا را بندگی کرده و اگر ناطق از زبان شیطان و افکار شیطانی سخن می گوید، شیطان را بندگی نموده است.» (11) جوان ایرانی نباید از این مساله غافل باشد که این همه برنامه های گوناگون و فریبنده در قالب فیلم، ماهواره، سی دی، بازی های کامپیوتری و امثال آن ها همه بسان بمب شیمیایی عمل می کند. هم چنان که در جبهه های حق هرگاه دشمن درمانده از پیروزی و غلبه ی سپاه اسلام می شد به بمب شیمیایی پناه می برد تا جلوی حرکت سریع را بگیرد. در زمینه ی استحاله ی فرهنگی نیز دست به چنین اقدامی زده است.

علی (علیه السلام) می فرماید: «کسی که تو را به مطالب باطل خشنود سازد و به بازی و سخنان غیر واقعی گول بزند او حقایق را از تو پنهان داشته و درباره ات خیانت کرده است.» (12)

چه زیبا فرموده امام (قدس سره) : اگر همان ها که در قالب دوست با ما سخن می گویند و برای جوانان ما دلسوزی می کنند و می خواهند جوانان ایرانی در کمال خوب و خوشی و با نشاط به سربرند، چرا راز و رمز تکنولوژی پیشرفته ی خود را در اختیار جوانان مقتدر ایرانی قرار نمی دهند و تنها از این دلسوزی فریبنده بازی های کامپیوتری کذایی و مجلات و نشریات منحرف کننده وباز دارنده از فعالیت و... نصیب جوانان ایران شده است.

اسلام به ما اجازه نمی دهد آلت دست اجانب قرار بگیریم و زنجیر ذلت را خود به دست و پای خود بزنیم. شعار همیشه جاوید امام حسین (علیه السلام) «هیئات منا الذلة» تکلیف ما را روشن و معین کرده است.

امروز ترویج مصرف گرایی، تجمل گرایی، دل مشغولی و ترویج آن چیزی که دشمنان دین برای انحراف جوانان اسلام تدارک دیده اند همکاری با کسانی است که خواهان ایرانی عقب مانده و وابسته و شکست خورده هستند. قرآن کریم می فرماید: «انما ینهیکم الله الذین قاتلوکم فی الدین» ؛ «و شما را از دوستی کسانی نهی می کند که در دین با شما قتال کرده اند و بلکه ما را دعوت به جهاد با آن ها می کنند» .

«واعدوا لهم ما استطعتم من قوة» ؛ «شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید» . تا آن حد که بتوانید: «ومن رباط الخيل ترهبون به...» ؛ «از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگ و اسبان سواری برای تهدید و تخویف دشمنان خدا و دشمنان خودتان کاملاً فراهم سازید و بر قوم دیگری که شما بر دشمن آنان مطلع نیستید (مراد منافقانند که ظاهراً مسلم و باطنا کافرند) و خدا به مکر و دشمن آن ها آگاه است، نیز مهیا باشید و آن چه در راه خدا (واحیای دین خدا) صرف می کنید خدا تمام به شما عوض خواهد داد و هرگز به شما ستم نخواهد شد.» (13)

با توجه به محتوای آیه ی شریفه امکانات دفاعی امروز باید اعم از فراگیری علوم جدید و فن آوری های جدید و پیشرفته باشد به طوری که به قول قرآن، دشمنان در هراس بوده و آرامش خود را از دست بدهند نه این که آن ها کاری بکنند که از جانب ما مطمئن باشند که هیچ تعرض و خطری از جانب ما آن ها را تهدید نمی کند و نخواهد کرد.

دوستی تعریف می کرد، یکی از اقوام ما که به آلمان سفر کرده بود و در آن جا برای خرید برخی لوازم آرایشی که در ایران برای آن ها تبلیغ می شود، رفته بود و در کمال ناباوری با کمیاب یا نایابی آن لوازم روبه رو شده بود و آن چه باعث تعجب ایشان شده بود این مساله بوده که زنان آلمانی به اندازه ی زنان ایرانی توجه به آرایش کردن نداشتند و بلکه اغلب دارای مدارج و مدارک علمی بالایی بودند و همین امر باعث شده بود که آن خانم روشن فکر به فریب کاری کسانی که با روانه کردن سیل کالاهای مصرفی و تجملی و مشغول کردن مردم ایران به ویژه جوانان پی ببرد و نه تنها دیگر به دنبال لوازم کذایی نبوده بلکه خود و خانواده اش تشویق به فراگیری زبان (خارجی) جهت بالا بردن سطح علمی خودشان شده اند.

راه مقابله در پی آسیب شناسی

یکی از راه های مقابله با خطرات و خسارات وارده از سوی دشمن مقابله به مثل و بلکه بالاتر از آن است به عنوان مثال تولید بهتر و انبوه داخلی و ترویج آن (تا بدین وسیله جایگاه کالاهای خارجی مخدوش گردد) و مصرف بهینه و بجا و احیای ارزش های اسلامی و جبران مافات.

خبرنگار رادیو و تلویزیون آلمان غربی در مصاحبه ای از امام راحل (رحمه الله) پرسید: در اروپا تحرکی جدید به چشم می خورد که یک تحرک مذهبی است که قبل از این آن تحرک وجود نداشته. این تحرک را چگونه ارزیابی می کند؟ امام فرمودند: «آن تحرک مذهبی از این است که مردم از پیشروی مادی سرخورده اند و دیده اند که تمام این پیشرفت هایی که شده چیزی نیست که برای بشر آرامش بیاورد، بلکه بیشتر زندگی آن ها را تباه کرده است، آن چیزی که آرامش می آورد مذهب است. در امور مادی این آرامش نیست» .

تمایل به دنیا گرایی در هر قالبی که باشد، آفت زندگی سالم و توأم با آرامش واقعی است. در روایات اسلامی نیز بدان اشاره شده که حب دنیا سردسته ی همه ی خطاهاست. هنگامی که خود خواهی، رفاه طلبی و بی دردی در میان ملتی حاکم شد، ایثار و مهربانی و گذشت و همدلی، تعاون و صفا و صمیمیت فدا می شوند و در پی کم رنگ شدن ارزش های واقعی ارکان وحدت و انسجام به سستی می گراید و راه را برای ورود دشمن قسم خورده هموار می نماید. این در حالی است که دشمنان ما هیچ گاه از یاد ما غافل نبوده و در پشت پرده ی سیاست دست یکدیگر را به گرمی می فشارند. در دنیای متری و مدعی تمدن آن چه برایش بهایی قایل نیستند جان و مقام انسان هاست و تنها از انسان ها به عنوان ابزار ترقی استفاده می کنند، تولید بیشتر و مصرف بیشتر! ! در

یک چنین موقعیتی تنها راه نجات و دست یابی به پیروزی تمسک به قرآن شریف است که بهترین و آسان ترین خط مشی زندگی را به انسان آموخته و سعادت واقعی آنان را نیز تضمین کرده است. هرگاه جوان مسلمان به آسیب شناسی قرآن کریم توجه داشته باشد و فراز و نشیب ها را بشناسد مطمئناً در زندگی دچار اشتباه و خسران نخواهد شد. قرآن می فرماید: «یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا الکافرین اولیاء من دون المؤمنین اتریدون ان تجعلوا لله علیکم سلطانا مبینا» ؛ (14) «ای اهل ایمان مبادا کافران را به دوستی گرفته و مؤمنان را رها کنید آیا می خواهید خدا را بر (عقاب و عصیان) خود حجتی آشکار گردانید». در آیه ی دیگر چنین هشدار می دهد: «یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا الیهود والنصارى اولیاء بعضهم اولیاء بعض...» ؛ «ای اهل ایمان یهود و نصاری را که دشمن اسلامند به دوستی مگیرید آنان بعضی دوست دار بعضی دیگرند و هر که از شما مؤمنان با آن ها دوستی کند (در کفر و ستمگری) به حقیقت از آن ها خواهد بود و همانا خدا ستمکاران را هدایت نخواهد نمود.» (15)

این هشدارهای بزرگ قرآن آن هم در سوره ی مائده که جز آخرین دستورات الهی می باشد، دلیل واضح و مهمی در جهت دوری از دشمنان شناخته شده و بی رحم اسلام است که در عصر حاضر ما به وضوح ستمگری آنان را در حق همه ی ملت ها می بینیم. یهود (صهیونیسم) امروز هم اقتصاد و هم فرهنگ و هم سیاست کلی جهان را می گرداند و شخصیت انسانی ملت ها را به تسخیر گرفته و به هیچ خطاری و نصیبی اعتنا نمی کند. قرآن در این زمینه می فرماید: «یا ایها الذین امنوا لا تتخذوا الذین اتخذوا دینکم هزوا ولعبا» ؛ (16) «ای اهل ایمان با آن گروه از اهل کتاب و کافران که دین شما را به فسوس و بازیچه گرفتند دوستی مکنید (و از آنان نترسید)، از خدا بترسید اگر به او ایمان آورده اید.» امروز سردمداران کفر در اسرائیل تمام سران جهان را به مسخره گرفته اند و به هیچ اصولی پایبند نیستند.

این آیه ی شریفه تمام راه های بهانه را برای مسلمین می بندد که دیگر به فکر هیچ گونه رابطه، اعم از تجاری و سیاسی و غیره با کسانی که دشمنی تمام عیار با مسلمین دارند بیافتند، می فرماید: «لتجدن اشد الناس عداوة للذین امنوا الیهود والذین اشرکوا...» ؛ (17) «همانا محققاً دشمن ترین مردم نسبت به مسلمانان، یهود و مشرکان را خواهی یافت و با محبت تر از همه کس با اهل ایمان آنان را که گویند ما نصرانی هستیم، این دوستی نصاری نسبت به مسلمین بدین سبب است که برخی از آن ها دانشمند و پارسا هستند و آن ها تکبر و گردن کشی بر حکم خدا نمی کنند.» خداوند در این آیه ی شریفه تکلیف همه ی اهل ایمان را روشن کرده و خوبان آن ها را نیز استثنا فرموده است. دیگر با این لحن بلند در قرآن آیه ای پیدا نمی شود که به مسلمان ها هشدار جدی بدهد که با یهود (صهیونیسم امروز) بخواهند تحت هر عنوان و یا بهانه ای راه مسالمت آمیز پیش بگیرند. قرآن شریف در آیه ای دیگر راه احتمال شبه را نیز بسته می فرماید: «لن ترضی عنک الیهود و لالنصارى حتى تتبع ملتهم...» (18) ؛ «هرگز یهودیان و نصاری از تو راضی و خشنود نخواهد شد مگر آن که پیروی از آیین آن ها کنی.» به این معنا که اگر امروز کسانی بخواهند از راه تساهل و تسامح حق سکوت به آن ها بدهند که دست از سر ما بردارند چنین نخواهد شد. (لن) در زبان عربی برای نفی ابد است. هرگز تحت هیچ شرایطی آن ها با ما میانه ی خوبی نخواهند داشت، که قرآن شریف آسیب شناسی کرده و راه های مقابله را به ما یاد داده که اگر سر لوحه ی زندگی خود قرار دهیم هیچ خفت و ذلتی ما را تهدید نخواهد کرد و اگر نه هر آن چه بر سر سایر ملت ها آمده بر سر ما نیز خواهد آمد.

1. عبس / 24.
2. تفسیر نمونه ذیل آیه ی فوق.
3. دنیا ملعبه ی دست یهود، آیه الله محمد شیرازی (رحمه الله)، ص 144.
4. دنیا ملعبه ی دست یهود، آیه الله محمد شیرازی (رحمه الله)، ص 150.
5. ادلف هیلتر، نبرد من، ج 1، ص 270.
6. حدیث تربیت جوان، از سخنان ائمه (علیهم السلام)، ص 67.
7. مجموع مقالات، سالگرد بزرگداشت امام (قدس سره)، ج 3، ص 450.
8. حدیث جوان، سابق، ص 63.
9. حدیث جوان، سابق، ص 104.
10. حدیث جوان، سابق، ص 129.
11. حدیث جوان، سابق، ص 135.
12. حدیث جوان، سابق، ص 135.
13. انفال / 60.
14. نساء / 144.
15. مائده / 51.
16. مائده / 57.
17. مائده / 81.
18. بقره / 120.